



ماجرای خودکشی یا مرگ ناگهانی

غلامرضا تختی (جهان پهلوان)

تولد ۱۳۰۹ - خودکشی یا قتل ۱۳۴۶ خورشیدی

یکی از ورزشکارانی که به مقام قهرمانی رسید غلامرضا تختی بود که در رشته کشتی برای کشور ما افتخاراتی آفرید. مورد توجه شاه فقید بود و در موقع شرفیابی ورزشکاران مورد محبت قرار می‌گرفت و کمک‌هایی هم به او می‌شد. او را (جهان پهلوان) می‌نامیدند. تختی به تدریج جزو طرفداران دکتر مصدق گردید و عضو شورای جبهه ملی شد. در همین جریان‌ها بطور ناگهانی در روزنامه‌ها نوشته شد که تختی در هتل آتلانتیک در دی ماه سال ۱۳۴۶ شمسی بعلت اختلافات خانوادگی انتحار کرده است. مخالفین می‌گفتند چون به طرفداری از دکتر مصدق پرداخته و شاه و دربار از او ناراحت شده بودند ساواک موجباتی فراهم ساخت که تختی را در هتل از بین برده‌اند.

ادیب برومند شاعر جبهه ملی درباره او چنین سروده است:
برفت از جهان تختی نامدار که ناید چنو قهرمانی دگر
سوی جبهه ملت آورد روی که بودش بسرسایبانی دگر
دریغا که از آشیان پر کشید عقابی سوی آشیانی دگر

انتظار می‌رفت بعد از سقوط رژیم درباره ماجرای کشتن یا انتحار تختی مطالبی نوشته شده و پرده از اسرار مرگ ناگهانی او برداشته شود ولی اسناد و مدارکی انتشار نیافت. سرانجام روزنامه پیام آزادی که در خارج از کشور منتشر می‌شد چنین نوشت:

دکتر کیانوری در دادگاه‌های جمهوری اسلامی اعتراف کرده است که تختی قهرمان معروف کشتی را حزب توده کشته است. او گفته سه نفر از ورزشکاران معروف توده‌ای را که مرکب از نوری قهرمان سنگین وزن کشتی و تقی عسگری قهرمان پارالل و یک ورزشکار دیگر که نامش را فراموش کرده‌ام مأمور نمودیم تا به هتل آتلانتیک واقع در خیابان تخت جمشید که نزدیک محل ساواک هم بوده رفته و با او ملاقات نموده که مدیر هتل هم (امید) از افراد مورد اعتماد حزب بود و همچنین با ساواک هم همکاری می‌کرده است، ضمن بحث در اتاقی که تختی به سر می‌برده دست و پای او را بسته و با تزریق آمپول زهر او را کشته‌اند. وقتی از کشتن تختی مطمئن شدیم قبل از این که مأمورین رژیم آن را به عنوان خودکشی بر سر مسائل خانوادگی اعلام کنند بلافاصله مأمورین تبلیغاتی حزب در تهران و شهرستان‌ها شایع ساختند که این کار وسیله شاهپور غلامرضا و ساواک صورت گرفته و به خاطر رفتن تختی بر آرامگاه مصدق و هواداری از جبهه ملی انجام شده است. بلافاصله به افراد حزب دستور داده شد در تشییع جنازه تختی شرکت کنند. این از تصمیماتی بود که برای بهره برداری از تاکتیک جنگ‌های روانی و تبلیغاتی در کمیته مرکزی حزب توده گرفته شد و رژیم شاه را کلافه کرده بود.
